

متن پرسش

سلام علیکم: در پاسخ به سوال ۲۹۰۰۸ از سنتی لا یتغیر فرمودید که راز تداوم انقلاب در آن نهفته است. به یاد دارم در کتاب انقلاب اسلامی بازگشت به عهد قدسی فرمودید که تفاوت ما در نگرش ما به مشکلات با یک فرد غیر انقلابی این است که متوجهیم حقیقت انقلاب اسلامی که ریشه در ایام الله و برخاسته از سنتی دارد که خداوند الطاف خاصه اش را بر افراد و مومنین صبار و شکور نازل می‌کند، عظیم تر از آن است که با مسئولان و فلان گرایش آن شخص و یکسری بدسلیقگی و ناکارآمدی ها به حجاب برود و محو شود بلکه عظیم تر از آن تاریخ را از آن خود می‌کند مثل اینکه امیرالمومنین چون اطمینان به وعده «والله یعصمک من الناس» داشتند در زمان خلفا، اسلام را از دست رفته ندیدند چون مطمئن به وعده الهی و حقیقت و تجلی توحیدی آن بودند. انقلاب اسلامی با زعامت دو عبد صالح خدا، چنان عظمت و حضوری بس متعالی و کیفی بخش و تمدنی در این تاریخ دارد که با این نفاق و ناکارآمدی و مشکلات از پا نمی افتد و اثبات کرده می‌تواند از سخت ترین مشکلات ولو تهاجم فرهنگی یا نهادینه سازی لیبرالیسم به اسم سازندگی و توسعه مدرن به نام اصلاحات و انحرافات در عدالتخواهی با رویکرد به اصطلاح بهاری و از رمق انداختن شعائر و سنجه های انقلاب بنام تدبیر و امید بگذرد و همه اینان اگر روزی هم در قطار انقلاب بودند نهایتا نتوانستند ذیل عالم و عهد انقلاب حاضر شوند و از این قطار یا پیاده یا در حال پیاده شدن یا درگیر رکون و خموشی شده اند ولی با این همه همچنان این انقلاب عظیم است که چهل و یکسال مانده و توحید را در برابر استکبار گشوده و لرزه ای بر تن جاهلیت مدرن و تفکر منقطع از عالم قدس انداخته و آغازی بر یک پایان است. کدام ملتی درون وادی تمدن سازی رفته و این مشکلات و دردها را ولو ده ها برابر بدتر نکشیده؟ همین تمدن غیر توحیدی مدرنیته برای شکل گیریش چقدر فلاکت و مصیب کشیدند و کافی است برای فهم معیشت و اوضاع جوامع بدنبال مدرنیسم به کتب تاریخ تمدن رجوع شود تا ببینیم در چه مشکلاتی قوطه ور بودند. تمدن سازی و گذار از تمدن مدرن و عالم غربی و شبه مدرنیته ایرانی که علی الخصوص از دوره قاجار و پهلوی قوت گرفت، کار یکشب و دو شب نیست و علاوه بر سختی ها و اشتباهات و نفاق ها که جدا ما اکثر ضرباتمان از نفاق و نفوذ در درون نظام بوده، معلوم است که مستکبرین و پرچمداران لیبرال دموکراسی در صدد شعب ابی طالب ها بر می آیند و سعی دارند از طریق استعمار نوین و با علوم انسانی غربی، فکرهای توحیدی و ریشه های انقلابی را تعطیل کنند. دستاوردهای مادی انقلاب هم حقا با اوج مشکلات و ساختارهای شبه مدرن و عناوین جدا بی نظیرست و چند برابر شدن امکانات زیر بنایی و ظرفیتهای که حتی مجلداتی را به خود اختصاص می‌دهد، شاهدی بر این مدعاست و حتی

آمارها و اسنادی که دشمنان ما هم منتشر می‌کنند صحت آن را بیشتر می‌کند. اما اکنون ماییم و دستور رب العالمین که فرمود: «و اما بنعمه ربک فحدث»؛ این آیه جدا افق پیش روی ماست. در اوج شدتها و سختی‌ها و تهدیدات مشرکین و منافقین و معلوم نبودن افق آینده و تشکیک‌های این امت اسلام، خداوند امر می‌فرماید تحدیث نعمت کن و در روایات تعبیر شده منظور از این خیر و نعمت همان رجعت به عنوان زمان تحقق دولت حق و دولت آدم بصورت تام است؛ آری رسول الله باید در اوج این سختی‌ها و تشکیک‌ها و دلهره‌ها از آینده، تحدیث نعمت کند تا امت بفهمند مشغول ساخت تاریخی هستند که نهایتش رجعت است و به آن حقیقت متعالی می‌رسد و دارید این مسیر را باز می‌کنید و اگر نظر به رجعت و آن هدف کلان کنید تاب می‌آورید و صبر و شکر خواهید داشت و بزرگ می‌شوید و مشکلات، شما را ابن السبیل نخواهد کرد. مانند اینکه اگر درخت بشوید نشستن گنجشک‌ها بر روی شما اثر ندارد چون انقدر تنومند که متغیر نشوید ولی اگر شاخه گلی باشید، با نشستن گنجشکی به این سو و آن سو می‌روید پس باید نگاه شما و سعه وجودیتان بسط یابد و عظیم شود تا بتوانید بفهمید شما در حال مقاومت در مسیری هستید که آینده اش آنجاست و لذا همین الان شما هم خیرست و مهلتی برای سنجش عیارتان و کنار زدن زنگهارها و گوش سپردن به نوای حق و برداشتن حجابهای این راه. تا امت بینش تمدنی و کلان و عظیم نیابد و در نیابد در چه مسیری مشغول حرکت است و چه افقی را مد نظر گرفته و مشغول گشودن چه تاریخی است، توفیق و صبری نصیبش نخواهد شد ولی بالعکس با این صبر و مجاهدت و نظر به مقصد این راه می‌شود «و لما رای المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: یکی از راه‌های تفکر برای درک موقعیت تاریخی خود، فهم موقعیت و سخن و موضع‌گیری دشمنان این حرکت است بدون هیچ‌گونه تعصبی، حقیقتاً دشمنان انقلاب اسلامی با همه‌ی تنوعی که دارا هستند، به پایین‌ترین نحوه‌ی تفکر و به انواع آلودگی‌های شخصی گرفتارند و این بهترین شکل برای درک جایگاه وجودی انقلاب اسلامی در هستی است از آن جهت که اولاً: خداوند هیچ توفیقی به آن افراد برای درک حقیقت نمی‌دهد و ثانیاً: هیچ امکانی برای رسیدن به هدف در نظام الهی برای آن‌ها نیست. پس باید خاطرمان از طرف خطراتی که دشمنان حرکت توحیدی انقلاب اسلامی پیش می‌آورند، جمع باشد. عمده درک موقعیت خود و رسالتی است که خداوند در این گردونه به عهده‌ی فرد فرد ما گذاشته است که مجهز به شأنی باشیم که در این مقابله نشان دهیم ما در راستای اراده‌ی الهی عمل می‌کنیم و معنای شناخت زمان و مطابق زمان عمل کردن و تقوای زمانه را در خود شکل‌دادن، در این‌جا جای خود را باز می‌کند و امیدواری هر روز ما به جهت آن است که آرام‌آرام مردم ما با خودآگاهی تاریخی از امیدواری نسبت به جبهه‌ی کفر فرو می‌نشینند و برای حضور تاریخی خود به اندیشمندی صحیح نزدیک می‌شوند. آری! صبری نیاز است تا حضرت معبود هر لحظه

بیش از پیش اراده‌ی خود را که اراده‌ی نفی استکبار است به ما نشان دهد. موفق باشید